

آشنایی با
مبانی استدلال اخلاقی
بر اساس مفاهیم و اصول تفکر انتقادی

ریچارد پاول، لیندا الدر
ترجمه‌ی پیام یزدانی

درباره‌ی «مجموعه‌ی تفکر نقاد»

فکر کردن را که ظاهراً همه‌ی ما خودبه‌خود بلدیم، نه؟ مدام هم مشغولش هستیم. شاید برای بعضی‌هایمان مشغله‌ی چندان خوشایندی هم نباشد، و گاهی آرزو کنیم که کاش می‌شد این مغز مشغول مشوش را خاموش کرد و دمی از رنج فکر کردن و تصمیم‌گیری آسود؛ یا کسی، مرجعی، پیدا می‌شد که فکر کردن را به‌کل به او بسپاریم و خودمان برویم سراغ کارهای خوشایندتر. ولی خلاصه فکر کردن را که همه بلدیم، نه؟

نه! از قضا آن تفکری که منظور ماست، تفکر نقاد، چیزی است آموختنی؛ و مهارت یافتن در آن تمرین بسیار می‌خواهد. ذهن طبیعی ناپورده‌ی ما، ذهن «نامتفکر»، اغلب چیزهایی را درست و بدیهی و طبیعی می‌انگارد درحالی‌که هرگز درستی یا نادرستی آن‌ها را ارزیابی نکرده‌ایم. قضاوت‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی می‌کند که هیچ از ماهیت آن‌ها خبر نداریم. تصمیم‌های ریز و درشتی می‌گیریم و اعمالی از ما «سرمی‌زند» که خیال می‌کنیم - فقط خیال می‌کنیم - آگاهانه و با هدف معلوم و برنامه‌ریزی مشخصی بوده، و بعد شگفت‌زده و خشمگین می‌شویم که چرا نتیجه دقیقاً برعکس آن بوده که انتظار داشته‌ایم. رنج می‌کشیم و، با اینکه به‌زبان اخلاق‌مندی را ستایش می‌کنیم، دیگران را رنج می‌دهیم؛ و نمی‌فهمیم چرا. انگار ما نه حاکم بر ذهن خود، که بندی آن هستیم.

آن بیرون هم بندگان بسیارند: ویژگی تقریباً تمام نهادهای دیرسال اجتماعی ایستایی و مقاومت در برابر تغییر است. قدرت‌های مستقر از ما می‌خواهند منفعلانه بپذیریم وضع موجود فکری، سیاسی یا اقتصادی «هرچند ایده‌آل نیست» اما طبیعی است، و تلاش برای تغییر یا بهبود است یا به آشوب بی‌پایان و در نهایت بدتر شدن اوضاع می‌انجامد. به‌تبع این، نهادهای آموزشی هم نامتفکر تربیت می‌کنند: القا کردن به‌جای آموزش،

حفظ کردن به جای درونی ساختن، به خاطر سپردن دانش پیش تر کسب شده به جای درگیر شدن با روند علمی، و پذیرفتن منفعلانه به جای پرسشگری. فرض بنیادین مجموعه‌ی تفکر نقاد این است: ما چیزی جز تفکر خود نیستیم. احساسات ما (خشم، ترس، اندوه، محبت)، آرمان‌هایمان، تصمیم‌ها و اعمال‌مان، همه محصول فرایندی است که نامش را فکر کردن گذاشته‌ایم. کیفیت زندگی ما مستقیماً تابع کیفیت تفکر ماست. اگر تفکر ما نامتفکرانه و ناآگاهانه باشد، اگر سازوکارش را نفهمیم، نمی‌توانیم تشخیص بدهیم کجایش معیوب است تا اصلاحش کنیم. تفکر نقاد اندیشیدن درباره‌ی خود تفکر را به ما می‌آموزد. یاد می‌گیریم این ماشین ذهن چگونه کار می‌کند، و می‌آموزیم که چگونه با در اختیار گرفتن تفکرمان، فرمان اعمال خود، فرمان احساسات خود، فرمان نفس خود را در دست بگیریم و مسئولیت زندگی‌مان را بپذیریم. مجموعه‌ی تفکر نقاد طرحی است برای بهبود کیفیت روابط، یادگیری، و زندگی. برای اخلاقی زیستن. برای آزادی.

فهرست

سخنی با خواننده ۹

کارکرد اخلاق و مانع اصلی در برابر آن (کار اصلی استدلال اخلاقی روشن کردن دو دسته از اعمال است: اعمالی که موجب اعتلای بهروزی دیگران می‌شود – و سزاوار ستایش است – و اعمالی که ناقض بهروزی دیگران است – و مستحق نکوهش. مطالعه‌ی استدلال اخلاقی بسیار مهم است زیرا انسان به سرشت خود سخت گرایش دارد به خودمحوری، تعصب، خودتوجیه‌گری و خودفریبی). ۱۱

مسئله‌ی شبهه اخلاق (نگرش دینی {مبتنی بر یزدان‌شناسی}، نگرش عرفی {مبتنی بر سنت‌ها و منهیات}، نگرش سیاسی {مبتنی بر ایدئولوژی و عوامل ذی‌نفع}، و نگرش قانونی {مبتنی بر رویه‌های سیاسی و فشارهای اجتماعی} اغلب با نگرش اخلاقی مشتبه می‌شوند. اما چنین نگره‌هایی محل مناقشه‌اند و برای تبیین اصول جهان‌شمول اخلاقی نمی‌توان صرفاً آن‌ها را مبنا قرار داد). ۲۰

مؤلفه‌های استدلال اخلاقی (ساختار استدلال اخلاقی در اساس همان است که هر نوع استدلالی بر آن بنا می‌شود. باید سازه‌های اساسی تفکر را که در استدلال خود از آن‌ها استفاده می‌کنیم بشناسیم و بدانیم چگونه آن‌ها را ارزیابی کنیم). ۳۳

منطق استدلال اخلاقی (استدلال اخلاقی هم درست مثل استدلال ریاضی یا علمی یا پزشکی منطقی دارد. مثلاً، ما هرگاه استدلالی اخلاقی می‌کنیم هدفی داریم، از دیدگاهی استدلال می‌کنیم، بعضی مفروضات اخلاقی را مبنا می‌گیریم، و این روند به بعضی استلزامات و پیامدهای اخلاقی منتج می‌شود). ۳۵

زبان و استدلال اخلاقی (استدلال اخلاقی مستلزم فهم دقیق مفاهیم و اصول جهان‌شمول اخلاقی است. واژه‌های اخلاقی زبانی که بدان صحبت می‌کنیم حامل این مفاهیم و اصول است). ۳۸

دو نوع پرسش اخلاقی (برخی پرسش‌های اخلاقی پاسخ قطعی دارند، و یافتن پاسخ برای برخی دیگر مستلزم قضاوت مستدل است. برای استدلال در مورد هر پرسش اخلاقی باید معلوم کنیم که آن پرسش ساده است یا پیچیده.) ۴۹

اهمیت حقایق و دیدگاه (استدلال اخلاقی مستلزم فهم دقیق حقایق مربوط به پرسش اخلاقی است، همچنین اشراف بر معقول‌ترین تفسیرهای ممکن از این حقایق.) ۵۴

معیارهای فکری برای ارزیابی استدلال اخلاقی (استدلال اخلاقی باید مطابق همان معیارهای فکری باشد که در مورد سایر حوزه‌های دانش نیز صدق می‌کند. مثلاً، استدلال اخلاقی استوار باید واضح، درست، دقیق، مربوط، عمیق، و واسع، منطقی، و به‌دور از پیش‌پافتادگی باشد، و گاهی هم باید با پیچیدگی‌های مسئله روبه‌رو شود و از منظر دیدگاه‌های متعدد به آن بنگرد.) ۵۹

توانایی‌های استدلالی در زمینه‌ی امور اخلاقی (برای استدلال اخلاقی داشتن برخی توانایی‌های فکری ضروری است.) ۶۱

فضیلت‌های مهم اخلاقی (برای استدلال اخلاقی داشتن برخی ویژگی‌های فکری / اخلاقی ضروری است.) ۶۶

مؤخره ۶۸

پیوست‌ها

واژه‌نامه ۷۰

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۸۸

اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر ۹۶

سخنی با خواننده

پرورش توانایی‌های استدلال اخلاقی بسیار مهم است - هم برای اخلاقی زیستن و هم برای ساختن جهانی اخلاق‌مدار. در این کتاب راهنمای مختصر می‌خواهیم به مبانی استدلال اخلاقی بپردازیم. قصدمان آشنا کردن خواننده با تمهیدات فکری لازم است برای استدلال در مورد قضایا و مسائل اخلاقی به روشی روشن‌بینانه.

اخلاقیات مجموعه‌ای است از مفاهیم و اصول راهنما برای تعیین اینکه کدام رفتار موجب کمک به موجودات واجد احساسات می‌شود و کدام رفتار به آن‌ها آزار می‌رساند. اما متأسفانه اغلب مردم اخلاقیات را با رفتارِ مطابق با عرف اجتماعی، باورهای مذهبی، و قانون یکی می‌گیرند و آن را حوزه‌ای مستقل در نظر نمی‌آورند. اغلب توجه ندارند که مفاهیم و اصول اخلاقی، که در اسنادی چون اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تعریف شده، جهان‌شمول، فرافرهنگی و فرامذهبی‌اند. برای پذیرفتن اینکه بردگی، نسل‌کشی، شکنجه، تبعیض جنسیتی، قتل، ضرب و شتم، تقلب، تدلیس و ارباب اخلاقاً نادرست است لازم نیست حتماً متوسل به باوری مذهبی یا عرف اجتماعی بشویم. از سوی دیگر، اگر صرفاً معیارهای مذهبی یا فرهنگی را مبنای نتیجه‌گیری‌های اخلاقی قرار دهیم در برابر کسانی قرار می‌گیریم که باورهای مذهبی یا فرهنگی دیگری دارند. بنابراین بسیار مهم است که همه مفاهیم و اصول اخلاقی مشترکی را برای استدلال در مورد مسائل معمول اخلاقی مبنای قرار دهیم.

با بررسی اصطلاحات معمول در گفتمان اخلاقی کمابیش تمام زبان‌ها، نظام گسترده‌ای از مفاهیم مهم اخلاقی می‌توان یافت. در هر زبانی واژه‌هایی برای خصلت‌های پسندیده‌ی اخلاقی مانند مهربانی، روشن‌بینی، بی‌طرفی، راست‌گویی، شفقت، دلسوز بودن، و شرافت‌مندی هست. برای

خصلت‌های اخلاقی منفی هم هر زبانی صدها واژه دارد — برای خودخواهی، تعصب، غرض‌ورزی، انتقام‌جویی، آزارگری، بی‌رحمی، یا ستمکاری. معنای ماهوی چنین واژه‌هایی تابع این یا آن نگرش یزدان‌شناختی یا عرف اجتماعی نیست. مفهوم زندگی اخلاقی مبتنی بر این حقیقت است که انسان‌ها هم قادرند به یکدیگر کمک کنند هم آزار برسانند؛ هم سبب بهبود کیفیت زندگی یکدیگر شوند هم باعث تخریب آن.

علاوه بر قدرت تمیز دادن اصطلاحات مطلقاً اخلاقی از تعابیر دینی یا عرفی، استدلال ماهرانه در حوزه‌ی اخلاق مستلزم همان مهارت‌ها و فضیلت‌های فکری است که برای استدلال در سایر حوزه‌ها لازم داریم. باید بتوانید استدلال را به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن تجزیه کنید. باید در ارزیابی استدلال به لحاظ وضوح، درستی، مربوط بودن، عمق، وسعت، و منطقی بودن خبره باشید. باید تواضع فکری، پشتکار فکری، و همدلی فکری داشته باشید.

این راهنمای مختصر قرار نیست به‌خودی‌خود کسی را به فردی اخلاق‌مند بدل کند. اما شالوده‌ای پیش می‌گذارد که بدون آن گفت‌وگو در زمینه‌ی اخلاق اغلب به جدل‌های بی‌پایان یا ناسازگاری‌های دلسردکننده و کج‌فهمی می‌انجامد. رسیدن به جایگاه استدلال‌گر اخلاقی صاحب‌بینش و انسان اخلاق‌مدار وقت و تمرین بسیار می‌خواهد. برای رسیدن به چنین جایگاهی خود باید همت کنیم.